

سه یار دبستانی، سه سکه و سلطان و شبان!

تلویزیون بوده تهیه کنندگی این سریال را می پذیرد. سخت ترین نقش ها به هاشمی می رسد اما گروه بازیگری آن ها برای ایفای نقش تا حدود زیادی بی تجربه بودند! گلاب آدینه، جمشید لایق، محمد مطیع، محمدعلی کشاورز، احمد آقالو، سیاوش طهورت و... همگی بازیگران تئاتر بودند و در این سریال نقش های مهم را بر عهده گرفتند. در حالی که سازندگان «سلطان و شبان» می خواستند سریال را دقیق و مثل یک فیلم سینمایی بسازند. برای حل مشکل از مسعود فروتن، که از مشهورترین کارگردانان تلویزیونی بود کمک گرفتند. اگر چه بعدها اختلاف بین کارگردان هنری (فرهنگ) و او بالا گرفت. گروه سر صحنه یک ساعت تمرین می کرد و بعد آن را ضبط می کردند. بزورگی دوربین معنی بود برای حرکت آن و سازنده ها مجبور شدند که حرکت را محدود به تحرک بازیگران کنند. اما این اتفاقات و بی تجربگی کار با دو کارگردان فنی و هنری، منجر به حوادثی شد. مهدی هاشمی در گفت و گویی که همان سال انجام داد (مجله فیلم، شماره ۴۰) گفت که داریوش فرهنگ به دلیل اختلاف با کارگردان تلویزیونی فرصت تمرین بازیگران را نداشت و مجبور بود مدام سر کارهای فنی دعا و بحث کند. فروتن هم در شماره بعدی مجله جوابیه ای نوشت و گفت که اتفاقا دعوی در کار نبود، بلکه گروه تصویر برداری هر روز مجبور بود منتظر انجام تمرین های فی البدایه بازیگران باشد و برای دکوپاژ تصمیم بگیرد.

به هر ترتیب فیلمبرداری سریال مهر سال ۱۳۶۲ آغاز می شود. بخشی از صحنه ها در روستای شجاع آباد در حوالی کلان فیلمبرداری می شد، بخشی در باغ فین کلان، تکه ای از آن در استودیو گلستان و تکه ای دیگر در باغ قدیمی سال ۶۳ سریال بخش و با اقبال عمومی روبرو می شود. هاشمی پس از این سریال با گلاب آدینه، (سلطان بانو) ازدواج کرد که حاصل این ازدواج دختری به نام نوراشد. (هر چند چند سال پیش ماجرای ازدواج دوم مهدی هاشمی با مهنوش صادقی جنجالی را به راه انداخت) دوستی هاشمی و داریوش فرهنگ یک بار دیگر برای مهدی هاشمی خوش یمن شد و او خیلی زود به آنچه مستحقش را داشت رسید. سال ۱۳۶۹ هیات داوران نهمین جشنواره فیلم فجر به پاس بازی در فیلم «دو فیلم با یک بلایت» ساخته داریوش فرهنگ، مهدی هاشمی را شایسته دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد دانست. از دیگر کارهای برجسته هاشمی در دهه ۶۰ خورشیدی، می توان به فیلم «زردقناری» اشاره کرد. بازی در سریال تاریخی «کوچک جنگلی» و درخشش او در نقش «دکتر حشمت» از دیگر آثار برجسته او بود. سال ۱۳۸۶ در مجموعه تلویزیونی «روزگار قریب» و در نقش اصلی این سریال، رل «دکتر محمد قریب» حضوری چشمگیر داشت. مهدی هاشمی در تقسیم بندی بازیگران، بیش از آنکه هنرپیشه ای احساسی باشد، اکتوری فنی است. شاید بسیاری او را با نقش های طنز به خاطر بیاورند اما بازی های متفاوت او در «کوچک جنگلی»، «روزگار قریب»، «آقا یوسف» و حتی «سیانور» نشان می دهد هاشمی هرگز بازیگری تکبعدی نبوده است.



متولد ۱۶ آذر، روز دانشجو در ایران است. صحبت از مهدی هاشمی است. مردی که ۱۶ آذر ۱۳۲۵ در لنگرود دیده به جهان گشود. هاشمی مانند بسیاری از مشاهیر سینما و تلویزیون ایران کار خود را از تئاتر آغاز کرد. ۱۰ ساله بود که برادرش ناصر، هم به خانواده هاشمی اضافه شد. پس از دبیرستان، مهدی هاشمی برای ادامه تحصیل به تهران آمد و سال ۱۳۴۸ وارد دانشکده هنرهای نمایش دانشگاه تهران شد. داریوش فرهنگ و سوسن تسلیمی (همسر پیشین فرهنگ) آن سال ها واحدهای مشترک متعددی با هاشمی داشتند و دوستی این سه نفر از همان روزها باعث پیدایش گروه تئاتر «پیاده» شد. این گروه اواخر دهه ۵۰ لسم و رسم خوبی برای خود به هم زد. آن ها می کوشیدند نمایشنامه های درجه یک و معتبر را پیدا کنند و آن را روی صحنه ببرند. اجرای نمایش «هاجرای باغ وحش» ادوار آلبی و کمی بعد «خشم به یاد آر» که اقتباسی از رمان جان ازبیرن بود از مشهورترین کارهای این گروه در سال های ۴۷-۴۸ است. اوج کار گروه «پیاده» اما هفتم بهمن ۱۳۵۱ بود. روز افتتاح تئاتر شهر. گروه پیاده همراه جمع دیگری از بازیگران، نمایش «باغ آلبالو» را به کارگردانی آریی آوانسیان روی صحنه برد. آخرین کار این گروه نیز «دایره گچی قفقازی» بر تولا برشت بود که در تئاتر شهر اجرا شد. دوست صمیمی اش، داریوش فرهنگ آن روزها به نگارش فیلمنامه می پرداخت و «دوچرخه» «توبوس» و «کفش های میرزا نوروز» از کارهای ابتدایی اش بودند. هاشمی و فرهنگ دوران دانشجویی و حتی پس از آن در مجتمعی مسکونی روبروی هم زندگی می کردند. یک شب مهدی هاشمی هنگام خوردن کتاب «تمیلات» نوشته میرزا فتحعلی خان آخوند زاده به داستان «یوسف شاه» رسید و با خواندن آن ذوق کرد. داستان این کتاب از این قرار بود که منجم باثنی طبق طلع سعد و نحس ایام متوجه می شود که ۱۵ روز از عید گذشته بلایی سر شاه ایران، شاه عباس، نازل می شود. با خواندن این حکایت چیزی به ذهن هاشمی می رسد و دقیقه ای بعد، داریوش فرهنگ صدای او را پشت در آپارتمانش می شنود که مکرر در می زند و می گوید «داریوش! درو باز کن... پیدا کردم!» فرهنگ یک هفته وقت می خواهد تا به تبدیل آن حکایت به سریال فکر کند و سرانجام می پذیرد. مشکل بزرگ فرهنگ و هاشمی اما سرمایه بود! پس سوسن تسلیمی هم وارد پروژه می شود و تمام دارایی اش را که سه سکه طلای بهار آزادی بود به آن ها می دهد تا به شمال بروند و فیلمنامه را بنویسند. برای نگارش قصه، فرهنگ و هاشمی اتافی در هتل صحرا، بین چالوس و نوشهر اجاره می کنند و هر روز شخصیت ها را می آفرینند. بعد از چند روز سر و کله زدن، هاشمی و فرهنگ فیلمنامه سریال را تمام می کنند. فیلمنامه ای که حالا مشخص نیست کدام بخشش را فرهنگ و کدام قسمتش را هاشمی نوشته است! علیرضا مجلل، که بازیگر تئاتر و تهیه کننده



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۸۲۴۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

مترجم نقش های برجسته!

یاسر سماوات - سینما هم درست مثل ادبیات، مقوله ای جهانی است. به عبارت بهتر «هنر هفتم» زبان مشترک جهانی است. سینمای ملی هم درست مانند ادبیات فولکلور مردم جهان یکسلی های زیادی دارد. فیلم ها با مجموعه های که شبیه هم اند یا از یک خط داستانی پیروی می کنند. آثاری که موتیف های یکسانی دارند اما در عین حال، فیلم های مستقلی نیز محسوب می شوند. درصد عمده ای از این استقلال بدون شک مرهون کار بازیگران است. برای نمونه «زردقناری» داستان مردی ساده دل و مال باخته است که برای جبران مفات و گذران عمر به تهران می آید و خوددروبی برای امرار معاش، در روزگار بیکاری تهیه می کند اما خودروی او همان روز نخست روده می شود و... به یقین تا همین جای پیرنگ یکسان داستان فیلم «زردقناری» با «زرد دوچرخه» عیان شده اما آنچه به ساخته رخشان بنی اعتماد مقابل شاهکار ویتوربو مسیکا هویت می بخشد، تم طنز گونه «زردقناری» مقلی فیلم «تورالیستی» مسیکانیت است، بلکه ظرفیت بازی عناصر این دو فیلم آن ها را متمایز می کند. بازی هاشمی در عین طنز، به حقایق تاج نیز تپیب می زند نقطه مقلیل «زردقناری» اما نقش آفرینی مهدی هاشمی در سریال «سلطان و شبان» است. مهدی هاشمی ناگزیر از بازی در دو نقش سلطان و شبان است. اگر همینجا بگوییم کاتاجه فیلم معرفی در ذهن تداعی می شود؟ «شیخ جنگجو» شاهکار آکیرا کوروساوا. در این فیلم نیز تلسونا کادای، ناچار است هم در نقش «تاکاداشینگن» دایمیو (اریاب) نام دار تاریخ ژاپن بازی کند، هم به شخصیت رعیتی به نام «کاکاموشا» جان ببخشد. البته هاشمی در «سلطان و شبان» با حکایت سر و کار داشت اما «شیخ جنگجو» به واقع داستان است. با وجود این بازی برجسته هاشمی در این مجموعه به حدی رشک انگیز بود که ناگزیر باید او را در زمره بهترین های سینمای جهان در ایفای نقش های پارادوکس گونه قرار داد. چیزی که سال ها بعد، نیکلاس کیج، وجان تراولتا هم در «تغییر چهره» از پیش بر آمدند.



www.mci.ir

شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول

